

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بیان روایات در مرحله تحقیق

در محضر روایاتی هستیم که یا صریحا در مورد علم اجمالی صادر شده است یا می شود از آن در مورد علم اجمالی هم استفاده کرد.

روایت سوم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعُهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ التَّوْبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرَقَةٌ أَوْ الْمَمْلُوكِ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ حَرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدَعٌ فَبِيعَ أَوْ قَهْرٌ أَوْ امْرَأَةٌ تَحْتَكَ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ. (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج 5؛ ص 313)

در سند این روایت مسعده بن صدقه است که هرچند در مذهبش بحث است ولی گفته شده است که در صداقتش بحثی نیست و لذا از جهت فنی روایت موثقه است.

نکته 1: آیا روایت خطاب به مسعده است یا خطاب به مکلفین؟ اگر خطاب به مسعده باشد ممکن است مخاطب خصوصیتی داشته باشد، مثل شخص و سواسی که به او گفته می شود همه چیز برای تو حلال است یا اینکه هر شکی بکنی حکم یقین به صحت را دارد از این نمی توان یک قانون بدست آورد، بر خلاف جائی که خطاب به مکلفین می باشد که این که در روایت کلمه یقول را دارد با این که فرمایش امام ماضی است و یک نوع استمرار را دارد یعنی امام علیه السلام دائما می فرمودند؛ لذا حدیث شخصی نمی شود ولو خطابش به شخص باشد.

نکته 2: در این روایت نیز دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: عبارت حتی تعلم انه حرام بعینه آیا می خواهد روی علم تأکید کند و بگوید که بدانید که حرام است حتما بدانید.

احتمال دوم: اشاره به علم تفصیلی دارد یعنی حرام است بعینه نه با تردید و اجمال

در ادامه حضرت می فرماید: مورد مسأله این است که لباس می خری در حالی که آن دزدی است یا حرّی وجود دارد که خودش را فروخته است و شخصی او را می خرید. یا کسی را فریب داده اند و گفته اند تو غلام من هستی و بعد هم او را فروخته اند یا این که انسان همسری گرفته است در حالی که او خواهر واقعی یا خواهر رضاعی اش هست. در اینجا امام علیه السلام فرمودند: وضعیت همه جا همین گونه است - یعنی حلال و مباح است - تا غیر از این برای تو روشن شود یا بینه بر خلاف قائم شود.

نکته 3: حال مراد از بینه چیست؟ برخی تردید کرده اند و به نظر حق هم می باشد که معلوم نیست در زمان امام صادق علیه السلام بینه به معنای دو عادل باشد که در فقه می گویند. بینه یعنی بیانی واصل و آشکار به تو برسد. با این وضعیت راه برای قول عادل واحد و امثال ذلک باز می شود.

نکته 4: آیا این حدیث شبهه ی بدوی را می گوید یا مقرون به علم اجمالی را هم شامل می شود؟ از نظر فنی آنچه تمام معیار است ذیل عبارت است که فرمود: وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ شما باید این اهتمام را بورزید که در مورد علم اجمالی صدق استبانه یا قیام بینه می کند یا نه؟

نظر مختار

اولاً: روایات از حیث سند روایات معتبری می باشند.

ثانیاً: از حیث دلالت برخوردارهای متفاوتی با این روایات شده است.

نظر اول: مرحوم مجلسی در ملاذ رسماً معتقد شده است که این روایات بر عدم وجوب اجتناب از مشتهبه - حکمیه یا موضوعیه - دلالت دارد. لذا ما هم مرحوم مجلسی را هم جزء افرادی آوردیم که گوید علم اجمالی حکم شک را دارد.

نظر دوم: مرحوم شیخ فرموده اند که بین این احادیث باید فرق بگذاریم. روایت موثقه مسعده اصلاً دلالت بر نظارت کلام امام علیه السلام بر علم تفصیلی ندارد.

اما لفظ بعینه هم برای تأکید است و در این جا شاید می خواهد تأکید در اصل علم بکنند نه در متعلق علم .

توضیح: یک وقت گوئیم زید آمد خودش و نظرم آن این است که بگوئیم غلامش نیامد ولی یک وقت می گوئیم زید آمد خودش و نظرم آن این است که برای کسی که فکر می کند زید نیامده و متکلم اشتباه می کند یا دروغ می گوید، اصل آمدن را تأکید کنیم.

عبارت مرحوم شیخ این است: انّ قوله عليه السلام بعينه تأكيد للضمير جيء به للاهتمام في اعتبار العلم

در اینجا یک ضمیر در آنه داریم و یک ضمیر هم در تعلم داریم. حال اهتمام در اعتبار علم است؛ یعنی می خواهد بگوید حتماً علم باشد و شک و گمان نباشد. عبارت دیگر دو تأویل در این جا داریم: 1. انه حرام تأویل به مصدر می رود و عبارت این می شود که کل شیء لک حلال حتی تعلمه حرمته بعینه یعنی تأکید روی حرمت می کند و ضمیر در واقع به علم بر می گردد. 2. یک تأویل هم حتی تعلم... به تأویل می رود و می شود حتی العلم بحرمته بعینه در این جا ضمیر عینه به علم بر می گردد.

اما نسبت به حدیث اول از ابن سنان که می فرمود: كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ أَبَدًا حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بِعَيْنِهِ، چون آن تأویل دوم را نداریم این روایت را قبول داریم که ناظر به علم تفصیلی است.

پس مرحوم شیخ نه مطلقاً می گوید این روایات ناظر به علم تفصیلی است که علم اجمالی داخل شک و گمان برود و نه مثل برخی است که بفرماید: روایات ناظر به علم اجمالی نیست و ناظر به شبهات بدویه است. ایشان می فرماید: روایت مسعده ناظر به علم اجمالی نیست و هم علم تفصیلی و هم علم اجمالی را داخل در موردهایی می کند که روشن می باشند، ولی نسبت به روایت عبدالله بن سنان می فرماید: ظهور دارد در این که امام علیه السلام می خواهد بفرماید حتماً باید علم شما تفصیلی باشد و لذا علم اجمالی اگر داشته باشید شما آزاد هستید.

البته مرحوم شیخ در ادامه می فرماید: درست است روایت ظهور دارد ولی ما نباید ظاهر روایت را بگیریم و الا باید برخی ضروریات فقه را انکار کنیم. به این بیان که ما بالاخره اگر دو ظرف داریم و یقین داریم یکی شراب است، دلیلی که می فرمود: الخمر حرام کجا رفت؟ الخمر حرام لزوم اجتناب دارد.

عبارت مرحوم شیخ این است: انّ إبقاء الصحيحة على هذا الظهور - این که فقط در علم تفصیلی لزوم اجتناب باشد نه علم

اجمالی - توجب المناقاة لما دلّ على حرمة ذلك العنوان المشتهبه مثل قوله عليه السلام اجتنب عن الخمر لأنّ الإذن في كلا

المشتبهين ينافي المنع عن عنوان مردد بينهما و يوجب الحكم بعدم حرمة الخمر المعلوم اجمالاً في متن الواقع.

ایشان می فرماید: خود این اخبار دلالت دارد که اشیاء در واقع حکم دارند؛ این که فرمود: کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام منه بعینه، این یعنی حرام واقعی وجود دارد و نفرموده کل شیء لک حلال تا علم پیدا کنی و حرمت تازه بیاید. این یعنی در واقع اخذ علم تفصیلی و اجمالی و گمان و شک نشده است و حکم واقعی است، منتهی شما گاه عالم می شوید گاه نمی شوید.

حال مرحوم شیخ گوید اگر در مشتبهین قائل به جواز ارتکاب شویم، پس خطاب شارع چه شد؟

نقد کلام مرحوم شیخ

اگر مرحوم شیخ می فرمود: استفاده جعل مرخص در علم اجمالی از این روایات خصوصاً در محصوره، مثلاً منافات حکمت است یا می فرمود: القاء مکلف در مفسده است یا می فرمود: عمل به ظاهر روایت با برخی روایات مثل روایات دال بر احتیاط

منافات دارد، قابل فهم بود؛ ولی تمرکز مرحوم شیخ روی این که حکم واقعی چه می شود. مرحوم آخوند به ایشان جواب می

دهند شما در شبهه بدویه یا شبهه محصوره هر کاری با واقع می کنید، اینجا هم انجام بدهید. مرحوم شیخ در شبهات بدویه می

گوید: واقع، فعلی و منجز نیست. ایشان می فرمود: عنوان مردد بینهما. ما عنوان مردد نداریم ما اجتنب عن الخمر داریم نداریم،

اجتنب عن المررد که احدهما خمر است و قائل به اجتناب گوید باید خمر بودن به علم تفصیلی مشخص شود.

البته مرحوم شیخ متوجه این اشکال بوده است لذا ان قلت و قلت را بیان می کنند.

الحمد لله رب العالمين